



مصاحبه

کریس کوچرا با یلماز گونی

ترجمه: ژان روژ

گردآوری: فاروق فرهاد

تاریخ فقط سرشار از پیروزیها نیست بلکه تاریخ بوسیله شکست ها، اشتباهات و نیرنگ ها نیز ساخته شده است.

یلماز گونی

فیلم برای من ابزار نبرد است. وسیله‌ای که مردم را برای انقلاب و دمکراسی آماده می‌کند.

یلماز گونی

فهرست

۵.....	مقدمه.....
۷.....	یلماز گونی.....
۱۶.....	آثار یلماز گونی.....
۱۷.....	سینمای ترکیه.....
۱۹.....	فیلم راه (Yol).....
۲۰.....	موضوع فیلم راه.....
۲۲.....	فیلم دیوار.....
۲۴.....	معرفی چند کتاب.....
۲۴.....	امید.....
۲۵.....	قسمتی از کتاب امید.....
۲۶.....	فاشیسم چیه، پرندس یا لک لک؟.....
۲۷.....	متهم.....
۲۸.....	ما یک اجاق گاز، شیشه پنجره و دو تانان می خواهیم.....
۲۹.....	آنها با گردن خمیده مردند.....
۳۰.....	مرگ مرا صدا می کند.....
۳۱.....	سلول من.....

۳۲.....	داستان برای پسر
۳۳.....	نامه‌های سلیمیه
۳۴.....	داستانهای نوجوانان
۳۵.....	مرثیه
۳۶.....	سالپا
۳۷.....	قانون مرزها
۳۸.....	اشعاری از یلماز گونی
۴۱.....	افسانه پادشاه نازیا
۴۴.....	کریس کوچرا
۴۶.....	آثار کریس کوچرا
۴۹.....	جنبش ملت کرد و خواست استقلال
۵۱.....	مصاحبه کریس و کوچرا با یلماز گونی
۶۰.....	چند فیلم مشهور یلماز گونی
۶۰.....	امید
۶۱.....	بابا
۶۲.....	رمه
۶۴.....	منابع

من یلماز گونی را با فیلم راه شناختم. چنین فکر میکردم که او فقط یک بازیگر و کارگردان فیلم است ولی هنگامی که برای یافتن مطلبی به دنیای پهناور انترنت و گوگل پناه بردم و مصاحبه کریس کوچرا با یلماز گونی را مشاهده کردم، خواندن این مصاحبه مرا به شناختن هرچه بیشتر یلماز گونی واداشت و تازه دریافتم که یلماز گونی، نویسنده، شاعر، بازیگر، کارگردان و تهیه کننده و انسانی مبارز و خستگی ناپذیر بود.

مرگ، زود به سراغ یلماز گونی آمد. او فقط ۴۷ سال زندگی کرد. دوران کودکی و نوجوانی را در فقر گذراند و بهترین سالهای جوانی را در زندان و دوران درخشش کارهایش در غربت بود.

یلماز زود به نوشتن داستان برای روزنامه‌ها و مجلات و کتاب روی آورد. اگر اشتباه نکرده باشم حدود ۲۴ تا ۲۸ کتاب نوشته و چاپ کرده است. من تنها دو کتاب که به فارسی و کردی ترجمه شده‌اند مشاهده کردم. اشعار او کم یا من اطلاعی چندانی از آنها ندارم. من تنها توانستم چهار شعر او را پیدا کنم.

یلماز گونی به معنای واقعی هنرمند بود ولی هنر و نبوغ و شهرت او بیشتر در عالم سینما و فیلم بود. یلماز درد و رنج و عذاب ملت کرد را به صحنه سینما آورد. او اولین کسی بود که در ترکیه "مسئله کرد" را به سینمای ترکیه و جهان آشنا کرد.

عقیده او چنین بود که: " فیلم برای من ابزار نبرد است. وسیله‌ای که مردم را برای انقلاب و دموکراسی آماده می‌کند".
یلماز سخت برای ملت خود کار کرد شب و روز، در زندان و بیرون از زندان در وطن و دور از وطن. هنر او برای امروز و فردای مردمش بود.

کتابها، اشعار و فیلمهایش " یلماز گونی " را برای ابدیت جاودانه کرد.

از همکاری و زحمات خانمها، سیمین افتخاری و آیسر یوجه (Ayser Yuce) بسیار سپاسگزارم.

فاروق فرهاد

۲۰۲۳/۰۳/۱۳



یلماز گونی در میان طرفداران

یلماز گونی

یلماز گونی، کارگردان، فیلمنامه‌نویس، بازیگر و نویسنده کرد ترکیه، در ۱ آوریل سال ۱۹۳۷ در روستای "ینیجه" از اطراف استان "آدانا" در ترکیه در یک خانواده فقیر کرد به دنیا آمد. مادرش یک کرد کرمانج از ایل "جیران" منطقه موش و پدرش یک کرد "زازا" اهل سیورک بود.

نام او در شناسنامه یلماز پوتون (Yilmaz Putun) بود. اما وی خود را " یلماز گونی " نامید که به زبان ترکی به معنای جنوب است که هم محلات فقیر جنوب شهر را به ذهن متباد می‌کند و هم به معنای تعلق او به کردستان است که در جنوب شرق ترکیه قرار داشت.

پدر و مادرش از کردهای تنگدست و رعیت بودند. اما چون پدرش کارآمد و سخت کوش بود دست راست ارباب به شمار می‌آمد و موقعیتی فراهم آورد که فرزندش درس بخواند و در کنار مردم فرودست با طبقه متوسط هم آشنا شود.

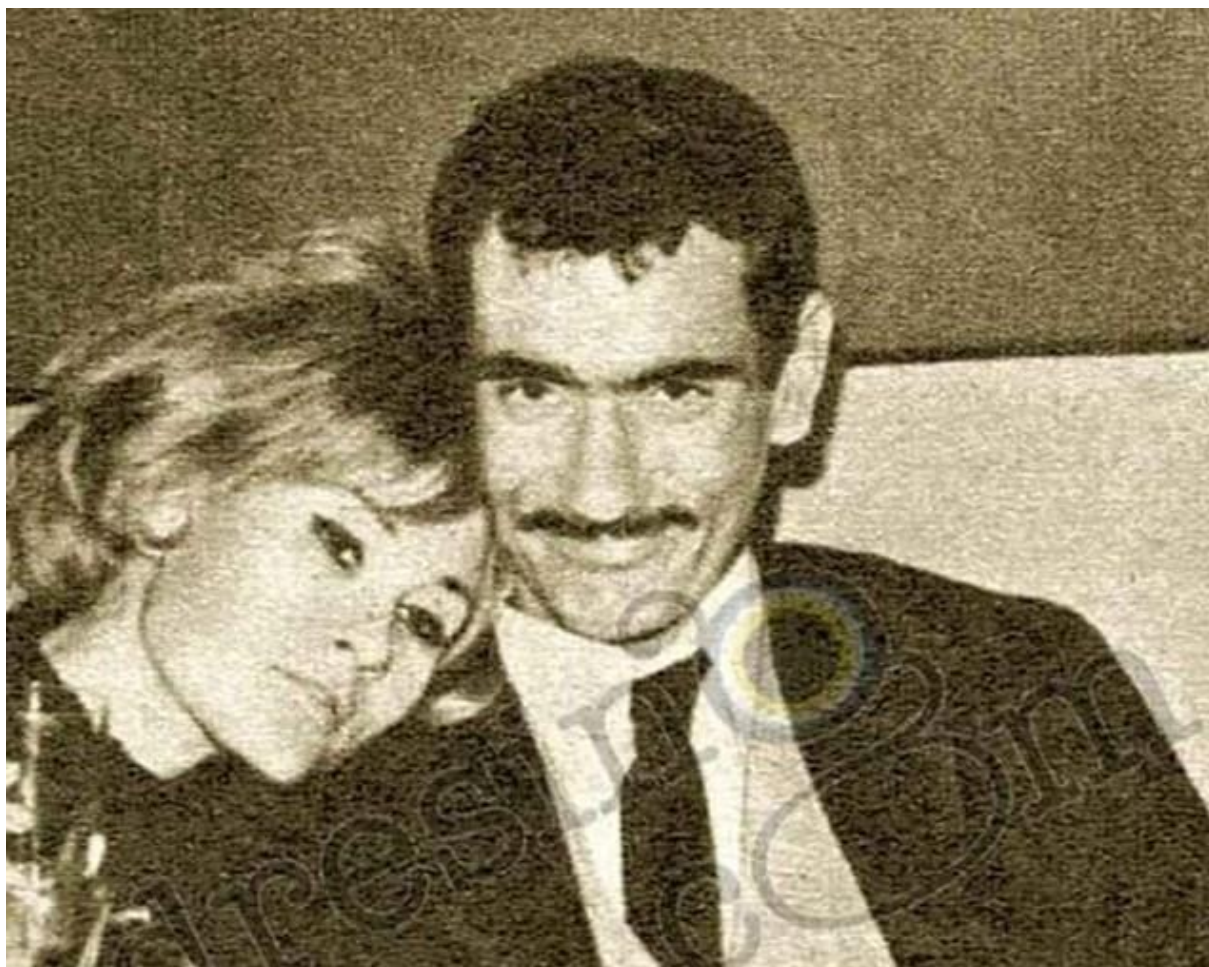
او خود چنین تعریف کرده است: که تا ۱۵ سالگی در خانه به زبان " کردی " صحبت می‌کرده است. وی در کودکی مجبور به کار در مزارع شد. وی بعد از اتمام دبیرستان در دانشکده حقوق دانشگاه آنکارا مشغول به تحصیل میشود و در این دوره با آثار: عزیز نسین، یاشار کمال، تولستوی، داستایوفسکی، چوخوف، اشتاین بیک، کالدول، و سیلوینه آشنا می‌شود.

او چهره‌ای شناخته شده در میان هنرمندان چپ جهان است و با فیلم هایش سعی بر نشان دادن تفاوت های فاحش بین شرق و غرب ترکیه بطور کلی و کردستان ترکیه با دیگر نقاط ترکیه بطور اخص بود.

یلماز می گفت: از کودکی در حال گردآوردن بودم. گردآوردن احساسات، سرگذشتها و سرنوشتها و شخصیت‌های گوناگون. از نوجوانی در یک شرکت توزیع و کرایه فیلم کار میکردم به سراسر کشور می رفتم و برداشت مردم را از فیلمها به خاطر میسپردم. همین آموزشگاه و دانشگاه کارگردانی و فیلمنامه‌نویسی من بود.

یلماز برای مجلاتی مانند On Uc و Yeni Ufuklar نیز داستان می نوشت. او در سال ۱۹۵۸ اولین کتاب داستان که بیشتر در مورد زندگی دوران بچگی خود او بود چاپ کرد و همین باعث شد که جمعی از روشنفکران و هنرمندان ترکیه مانند عاطف ئیلماز سینماگر و روشنفکر ترکیه او را به همکاری دعوت کرد. برای اولین بار در سال ۱۹۶۱ به دلیل انجام تبلیغات کمونیستی در یکی از داستانهایش محاکمه شد و به یک سال نیم زندان محکوم شد.

یلماز گونی در سال ۱۹۶۰ با " بیرتن اونال " (Birten Unal) ازدواج کرد و ثمره‌ی این ازدواج دختری به نام " الیف گونی پوتون " بود. بیرتن در سال ۲۰۱۸ درگذشت.



یلماز گونی - بیرتن اونال

الیف گونی پوتون (Elif Guney Putun) متولد سال ۱۹۶۶
و در قید حیات است.



یلماز گونی با دخترش الیف

ازدواج دوم یلماز گونی در سال ۱۹۶۷ با "نباخت چهره" بود.
یک سال بعد از چهره جدا شد.



یلماز گونی و نباخت چهره

ازدواج سوم یلماز گونی با " فاتوش گونی " (Fatos Guney)
از سال ۱۹۷۰ تا زمان مرگ با او بود و نام فرزند خود را " رمزی
یلماز پوتون " گذاشتند.



رمزی یلماز پوتون . یلماز گونی . فاتوش گونی

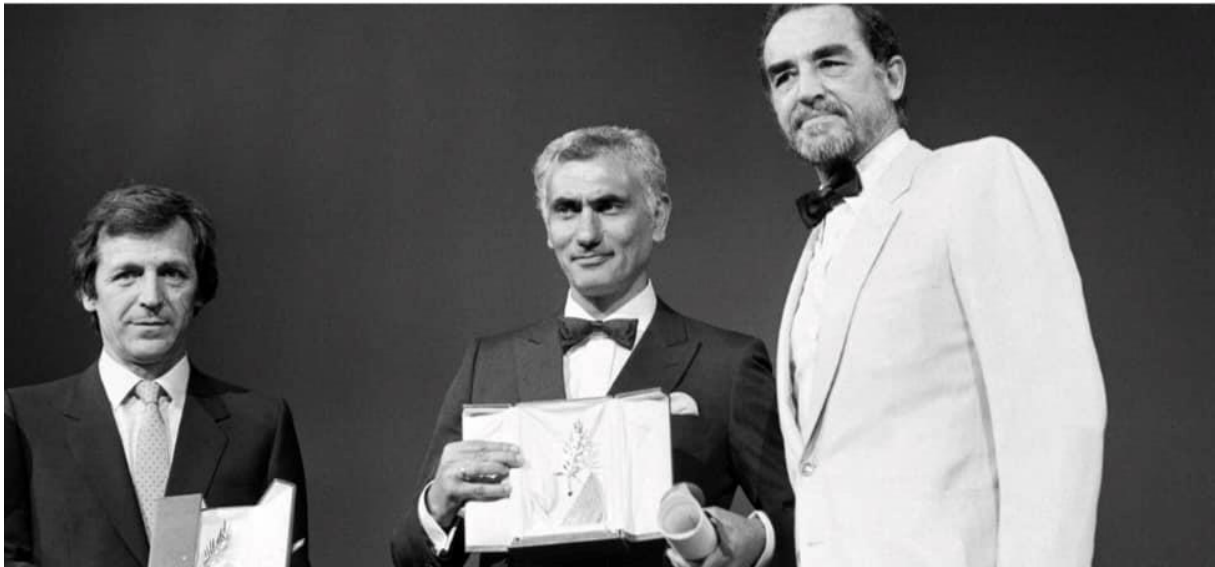
بعد از کودتای نظامی ارتش وی به زندان افتاد و با استفاده از مرخصی فرار کرده و به فرانسه پناهنده شد. در پی این امر تابعیت ترک وی از او سلب شد.



یلماز گونی مانند هر هنرمند و روشنفکری آزادیخواه و ستم ستیز بارها به بند زندان کشیده شد اما با گفتن اینکه: " شما میتوانید به دستانم دستبند بزنید، جسمم را در سلول بیاندازید ولی افکارم هنوز آزاداند."

او پس از فرار به خارج از کشور فیلم " دیوار " را در فرانسه فیلمبرداری کرد. فیلم " دیوار " که گونی در سال ۱۹۷۶ در زندان و بازداشتگاه مرکزی آنکارا شاهد بود و در آن شورشی که در بند کودکان شروع شد و در سراسر زندان گسترش یافت به سینما منتقل شد که آخرین فیلم او بود.

یلماز گونی در سال ۱۹۸۲ به دریافت جایزه نخل طلایی "کن" برای فیلم "راه" به صورت مشترک با "کوستا گوراس" برای فیلم "گمشده" نائل شد.



یلماز گونی در جشنواره کن ۱۹۸۲

در ۹ سپتامبر سال ۱۹۸۴ در سن ۴۷ سالگی بر اثر سرطان معده در پاریس درگذشت. پیکرش را در بخش ۶۲ گورستان "پرلاشز" پاریس به خاک سپردند. یک روزنامه در ترکیه درگذشت وی را چنین اعلام کرد: "فیلم تمام شد".

یلماز در آخرین مصاحبه‌ش با "کریس کوچرا" در مورد فیلم "رمة" (Suru) می‌گوید:

"این فیلم در حقیقت سرگذشت خلق کرد است اما حتی اجازه نداشتم در ساخت فیلم از زبان کردی استفاده کنم و اگر چنین می‌کردیم همه کسانی که در ساخت فیلم مشارکت داشتند بازداشت و روانه زندان می‌شدند..."



آرامگاه یلماز گونی در قبرستان " پرلاشز " پاریس

آثار یلماز گونی

یلماز گونی آثار متعدد و ارزشمندی از خود برجای گذاشت که از میان آنها می توان به موارد زیر اشاره کرد:

فیلمهای او شامل: اسب، زن، اسلحه: سال ۱۹۶۶. اسم من کریم: سال ۱۹۶۷. گلوله به من اثر نمی کند: سال ۱۹۶۷. سیدخان: عروس خاک: سال ۱۹۶۸. پیره نوری: سال ۱۹۶۸. یک مرد زشت: سال ۱۹۶۸. گرگهای گرسنه: سال ۱۹۶۹. هفت شرور: سال ۱۹۷۰. عثمان، سرباز پیاده: سال ۱۹۷۰. فردا آخرین روز: ۱۹۷۱. فرایها: سال ۱۹۷۱. درد: سال ۱۹۷۱. امید: سال ۱۹۷۰. مرثیه: سال ۱۹۷۱. بابا: سال ۱۹۷۳. بیچاره‌ها/بدبختها: سال ۱۹۷۴. رفیق: سال ۱۹۷۴. رمه: سال ۱۹۷۸. راه: سال ۱۹۸۲. دیوار: سال ۱۹۸۳

کتابهای او شامل: آنها با گردن خمیده مردند. سالپا. سوگواری. رفیق. رمه. مرگ مرا صدا می کند. داستانهای نوجوانان. درد. مسیر. سلول من. ما یک اجاق گاز، شیشه پنجره و دو نان می خواهیم. داستان برای پسر من. مردم فقیر، مردم بیچاره. اضطراب. قانون مرزها. بابا. گرگهای گرسنه. امید. یک روز باید. آنها مستأصل هستند. سید خان. چاقوی یونانی. انسان، مبارز و هنرمند یلماز گونی. نامه‌های سلیمیه. فاشیسم چیه، پرندهس یا لک لک؟.

سینمای ترکیه

سینمای ترکیه در جهان با اسم یلماز گونی به شهرت رسید. هر چند که حاکمان ترکیه به خاطر نوشته‌ها و فیلمهایش در مجموع او را به صد سال زندان محکوم کردند و از ادامه کار سینمایی باز داشتند، فیلمهای او را ممنوع و تمامی فیلمهایش را جمع آوری نمود و تابعیت ترکیه را از یلماز گونی سلب کرد. به این امید که افکار و هنرش را از بین ببرند.

سال ۱۹۶۸ با فیلم سید خان (Seyyit Han) که داستان عیشقی ناگوار کردی است موفقیت بسیاری به دست آورد و پس از آن عصر جدیدی را در سینمای ترکیه بوجود آورد.

اما در واقع فیلم امید (Umut) در سال ۱۹۷۰ بود که یلماز گونی را به سینماگران اروپایی شناساند.

فیلم (Suru) "رمة" سرگذشت خانواده‌ای است که بخشی از گله گوسفندان را می‌فروشد و برای دستیابی به یک زندگی تازه به "ابر شهر" آنکارا می‌رود و در آنجا با خشونت شهر و تضاد زندگی روستایی و شهری روبرو می‌شود.

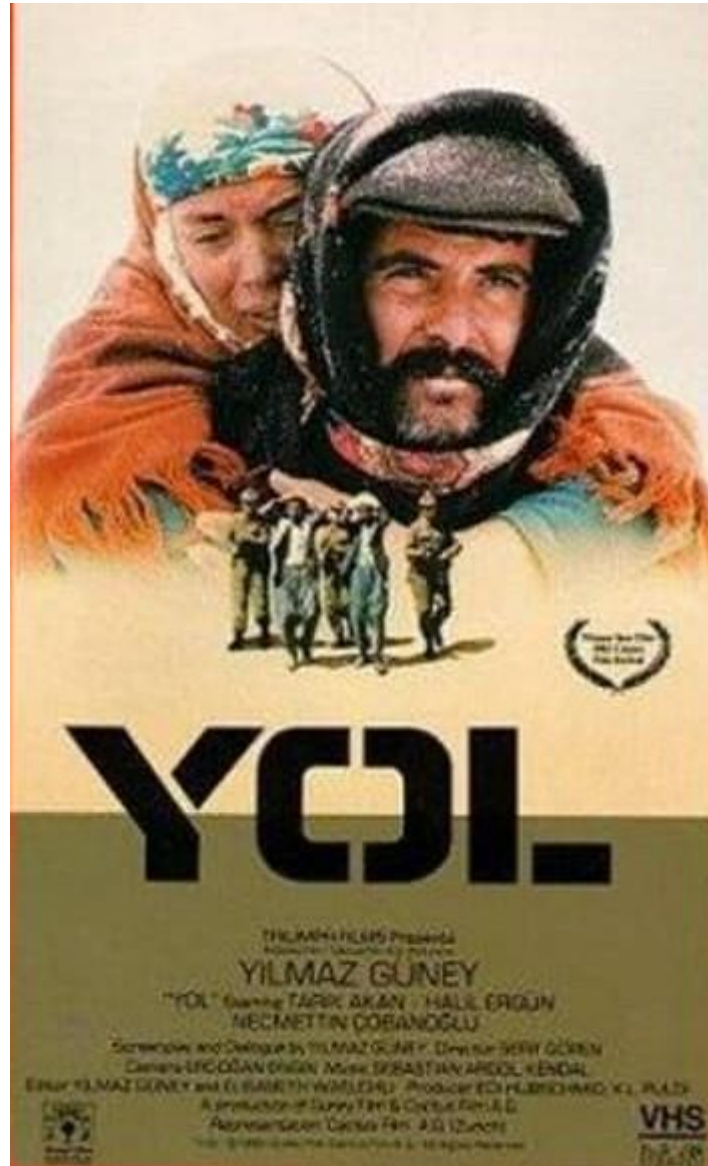
موفقیت فیلم های گونی به عنوان فیلمنامه‌نویس، بازیگر و کارگردان وقتی ظاهر شد که حمایت ملت کرد و دانشجویان حاکمان ترک را نگران کرد.

فیلمهای یلماز گونی برای مخاطبان امروز می تواند در قالبی هنری درس تاریخ بدهد، درسهایی در باره تاریخ آشفتهی ترکیه. همهی دانشجویان فیلم و تاریخ و تغییرات اجتماعی و سیاسی باید فیلم های یلماز گونی را ببینند.



یلماز گونی

فیلم: راه (Yol)



کارگردان: یلماز گونی، شریف گورن
نویسنده، فیلمنامه‌نویس و تهیه‌کننده: یلماز گونی
سال: ۱۹۸۲

موضوع فیلم: راه

در زندانی در ترکیه، به پنج زندانی یک هفته مرخصی داده میشود تا به دیدار خانواده‌هایشان بروند و ما شاهد مشکلات آنها در تنظیم با جهان خارج خواهیم بود و در آخر شاهد خواهیم بود با هرگونه انتخاب راه نجاتی برای محکوم به بینوایی در این جهان وجود ندارد و پایان زندگی آنها یا مرگ است یا همان اسارت است.

هر یک از این مردهای سیه چرده و خسته بعد از سالها دارند میروند تا دیداری کنند با زن و فرزندهایشان و قصه از اینجا به بعد شکل می‌گیرد و تو را با خود میکشاند لابلای کپرهای فقر... کوچه‌های کثیف، زنان بدکاره، فراریهای از همه جا رانده شده و قاچاق و گناه....

نکته جالبی که در خصوص " کارگردان " این فیلم وجود دارد آن است که در زمان فیلمبرداری به خاطر مسایل سیاسی و مشکلاتی که دولت ترکیه برای روشنفکران و هنرمندان و اقشار مخالف ایجاد کرده بود در زندان بوده و از آنجا فیلم را کارگردانی نموده است.



صحنه‌ای از فیلم " راه "

فیلم: دیوار (Duvar)



فیلم " دیوار " به کارگردانی یلماز گونی در سال ۱۹۸۳ در فرانسه ساخته شد. این فیلم گوشه‌ای از ظلم به خلق کرد در ترکیه را نشان می دهد.

این فیلم دوران تاریک زندانیان ترکیه پس از کودتای ۱۹۸۰ را روایت می کند که تحت شرایطی غیر انسانی و خارج از فضای حقوق انسانی زیر ظلم و تعدی زندانبان قرار دارند.

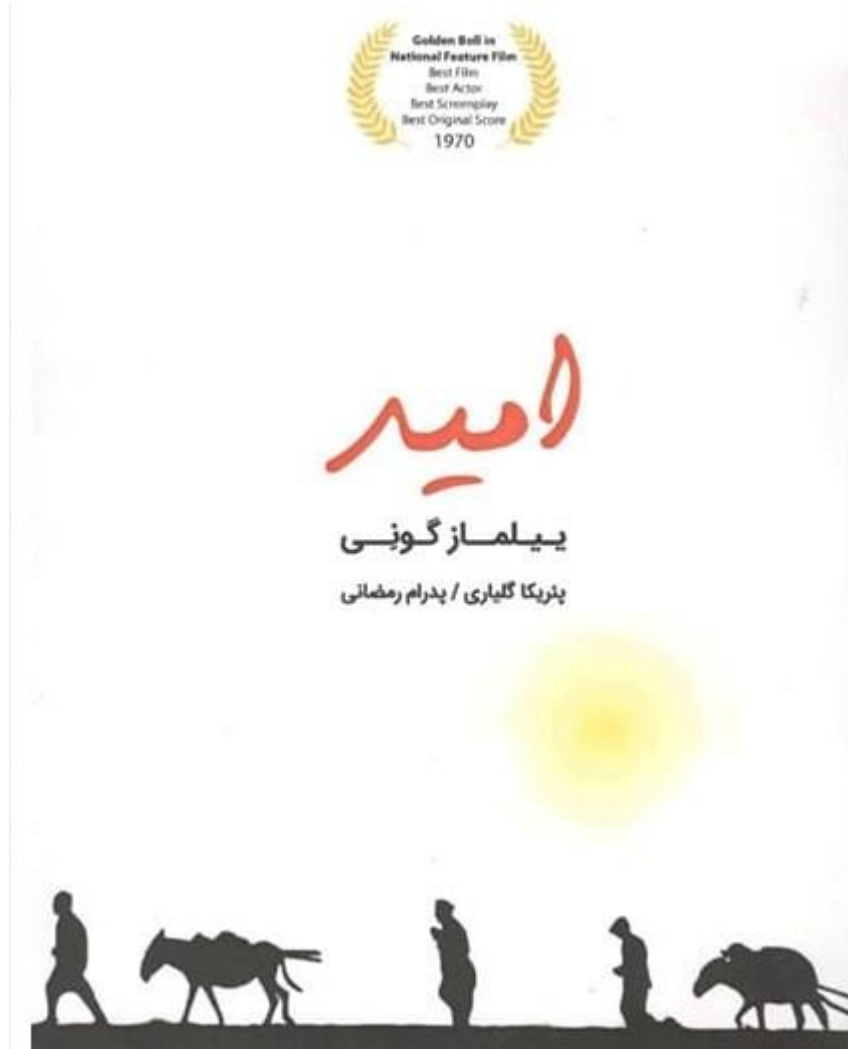
این فیلم تصویر نابرابریهای یک حکومت به نوجوانانی است که در تمام فیلم بیننده را برای رسیدن امید و عدالت در انتظار می گذارد و در نهایت به شورش این جوانان در زندان منجر میشود.

دیوار تصور عریان از شدیدترین جرم و جنایتها و شکنجه زندانیان (پخش کردن صدای شکنجه افراد از بلندگو برای همه زندانیان و...) و سوء استفاده‌های جنسی است که نوجوانان و جوانان فقط به خاطر انجام یک بزه (خطا، گناه، جرم) باید تمام آنها را علاوه بر مجازات و حبس متحمل شوند.

در فیلم دیوار زندانیان متعددی از همه گروه‌های سنی و جنسیتی حضور دارند شاید " گونی " کارگردان این فیلم تصمیم داشته که با جمع کردن همه عناصر در فیلم دیوارهای زندان را به وسعت یک کشور گسترش دهد!

دیوار شروعی است برای یک انتقاد بزرگ، جایی که زندانها، دولتها و مقامات همیشه نیاز به انتقاد دارند و چقدر خوب میتوان از طریق هنر سینما آنها را به منصفه ظهور رساند. از سایت ویرگول گرفته شده است.

معرفی چند کتاب



نام کتاب: امید (Umut)

نویسنده: یلماز گونی

مترجم: پنریکا گلیاری / پدرام رضانی

قسمتی از کتاب امید:

درشکه در حال حرکت است و حسن سیگارش را می پیچد.
حسن: چطوری بابا، داداش جبار؟
جبار: می گیم خوبیم که بد نباشیم و گرنه حال و روزمون که معلومه.

حسن: راسته که میگن شهرداری میخواد درشکه‌ها رو جمع کنه؟

جبار: درشکه قدیمی مثل مارو شاید، ولی جدیدها رونمی تونن جمع کنن. آخ! اگه آدم اسب خوب و درشکه خوب داشته باشه...

حسن: اسب خوب و درشکه خوب، پول خوب هم میخواد. اگه پول داشته باشی، همه چی داری، اگه پول داشته باشی، میتونی کباب بخوری، دسر بخوری، شراب بخوری، تو رختخواب خوب بخوابی، اگه آدم پول داشته باشه قوی میشه. اگه آدم پول داشته باشه، می تونه خونه داشته باشه و زن بگیره. اجاقش روشن باشه. بچه داشته باشه.

اگه پول نداشته باشی، تو دنیا هیچی از تو بدتر و کثیف تر نیست.

فاشیسم چیه، پرنده س یا لک لک؟



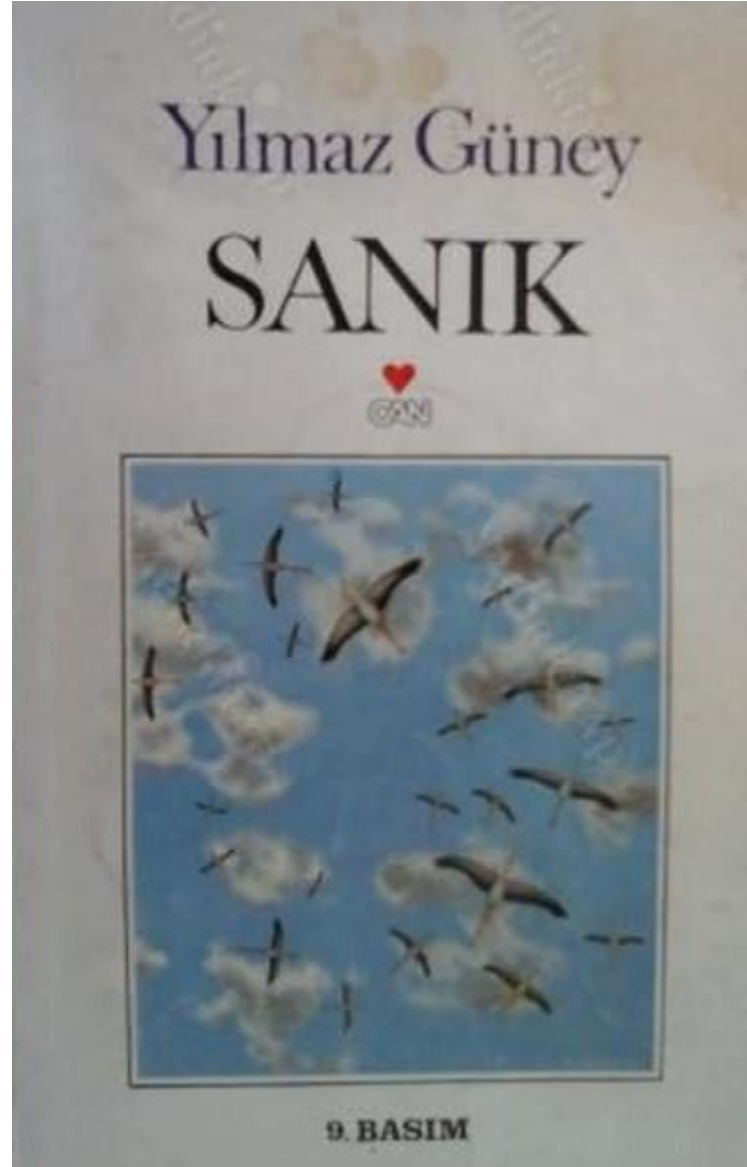
نویسنده: یلماز گونی

مترجم: دکتر ایرج نوبخت

این کتاب حاوی ۱۲ داستان از یلماز گونی است. نویسنده این داستانها را در سال ۱۹۷۸ در زندان برای پسر کوچکش نوشته است زیرا معتقد است: که یک هنرمند انقلابی لازم است که یک میراث انقلابی برای فرزندش به جا بگذارد و در خلال داستانهای به ظاهر ساده موضوعات مهمی را به او انتقال دهد.

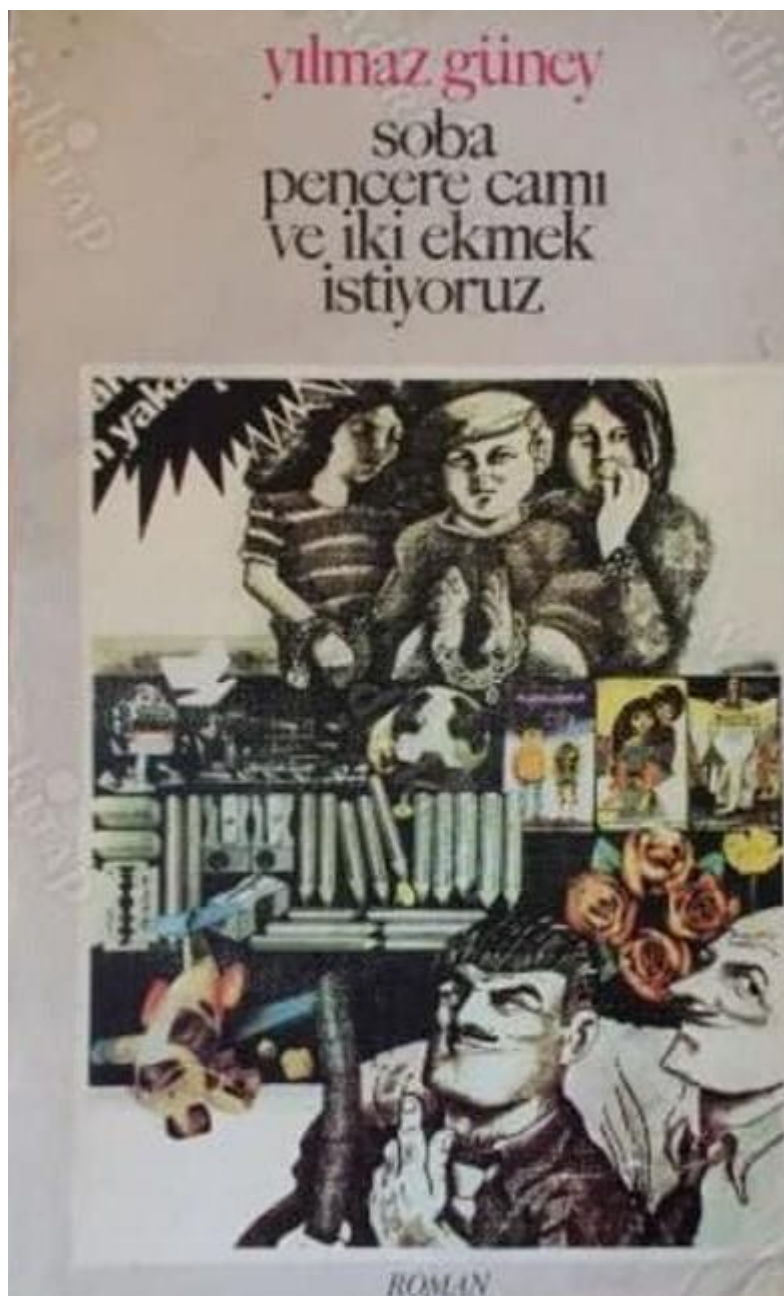
نام کتاب: متهم (Sanik)

نویسنده: یلماز گونی

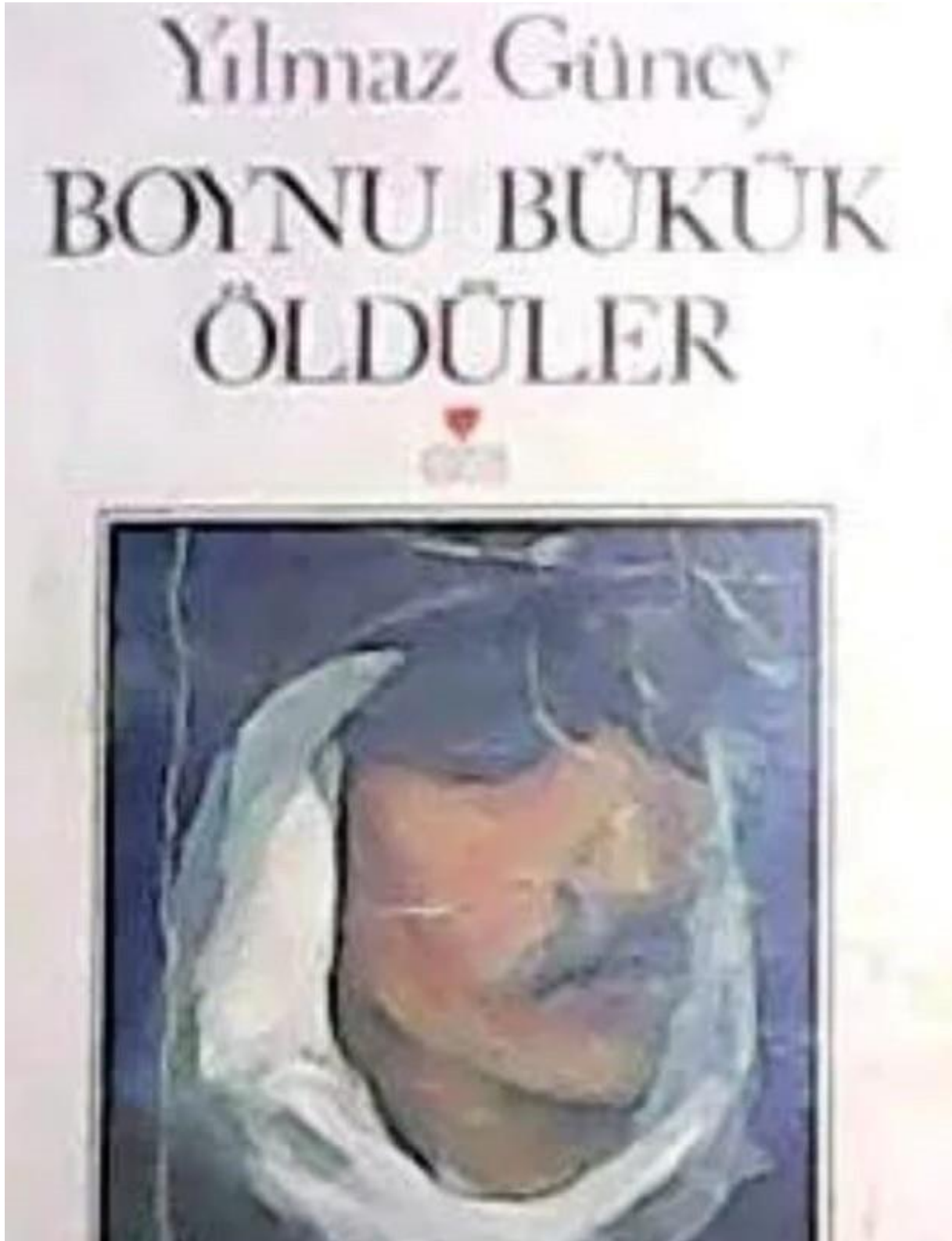


نام کتاب: ما یک اجاق گاز، شیشه پنجره و دو نان می‌خواهیم
(Soba pencere cami ve iki ekmek istiyoruz)

نویسنده: یلماز گونی



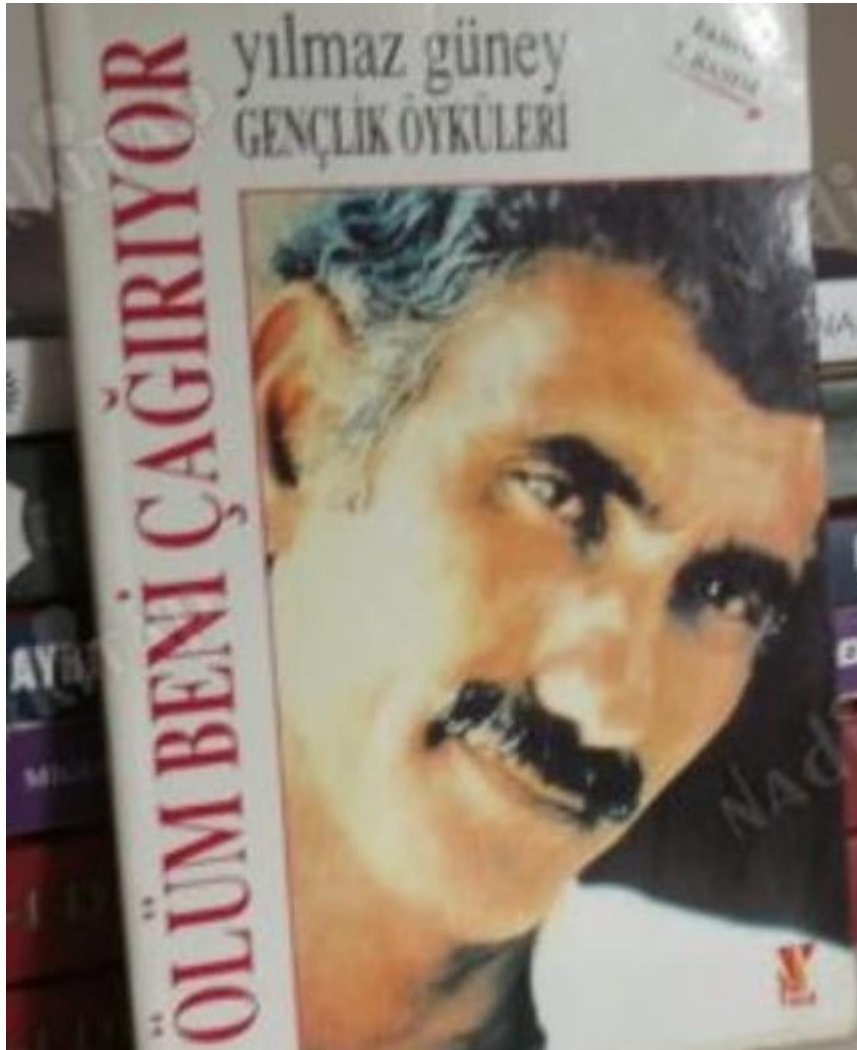
نام کتاب: آنها با گردن خمیده مردند
(Boynu Bukuk öldüler) نویسنده: یلماز گونی



نام کتاب: مرگ مرا صدا می کند

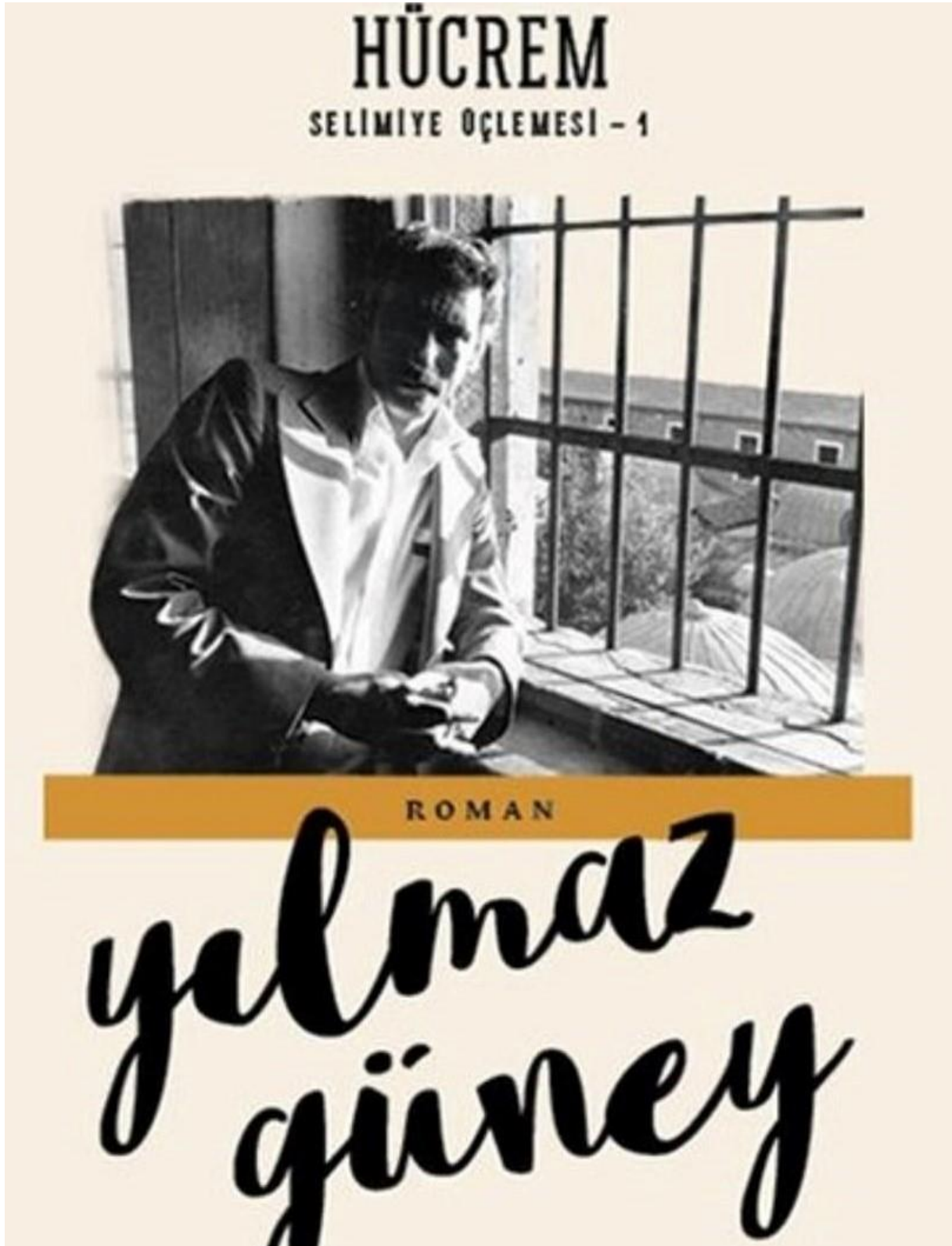
(Ölüm Beni Çağırıyor)

نویسنده: یلماز گونی



نام کتاب: سلول من (Hucrem)

نویسنده: یلماز گونی



نام کتاب: داستان برای پسر (Ogluma Hikayeler)

OĞLUMA HİKÂYELER

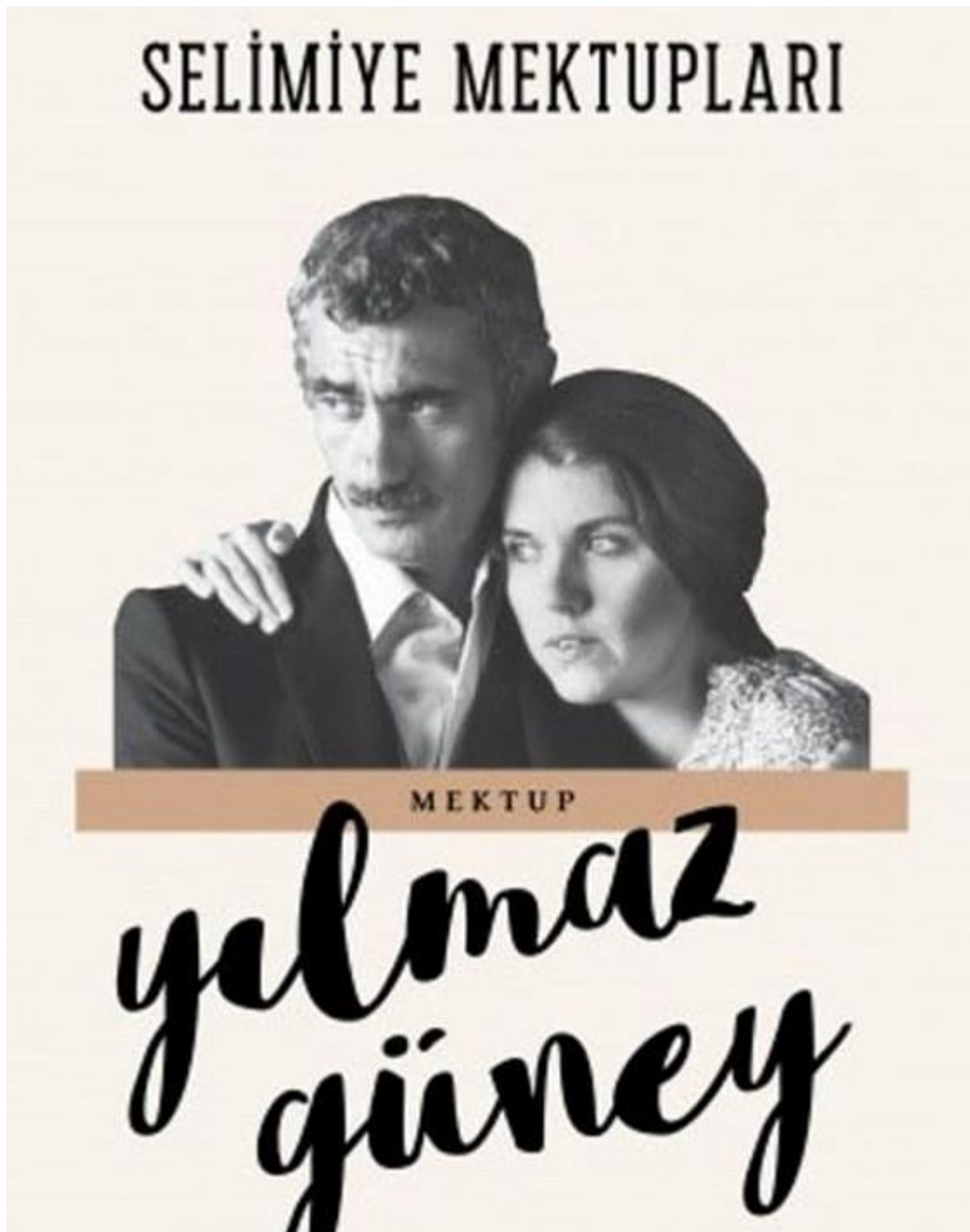


ÖYKÜ

yelmağaz
güney

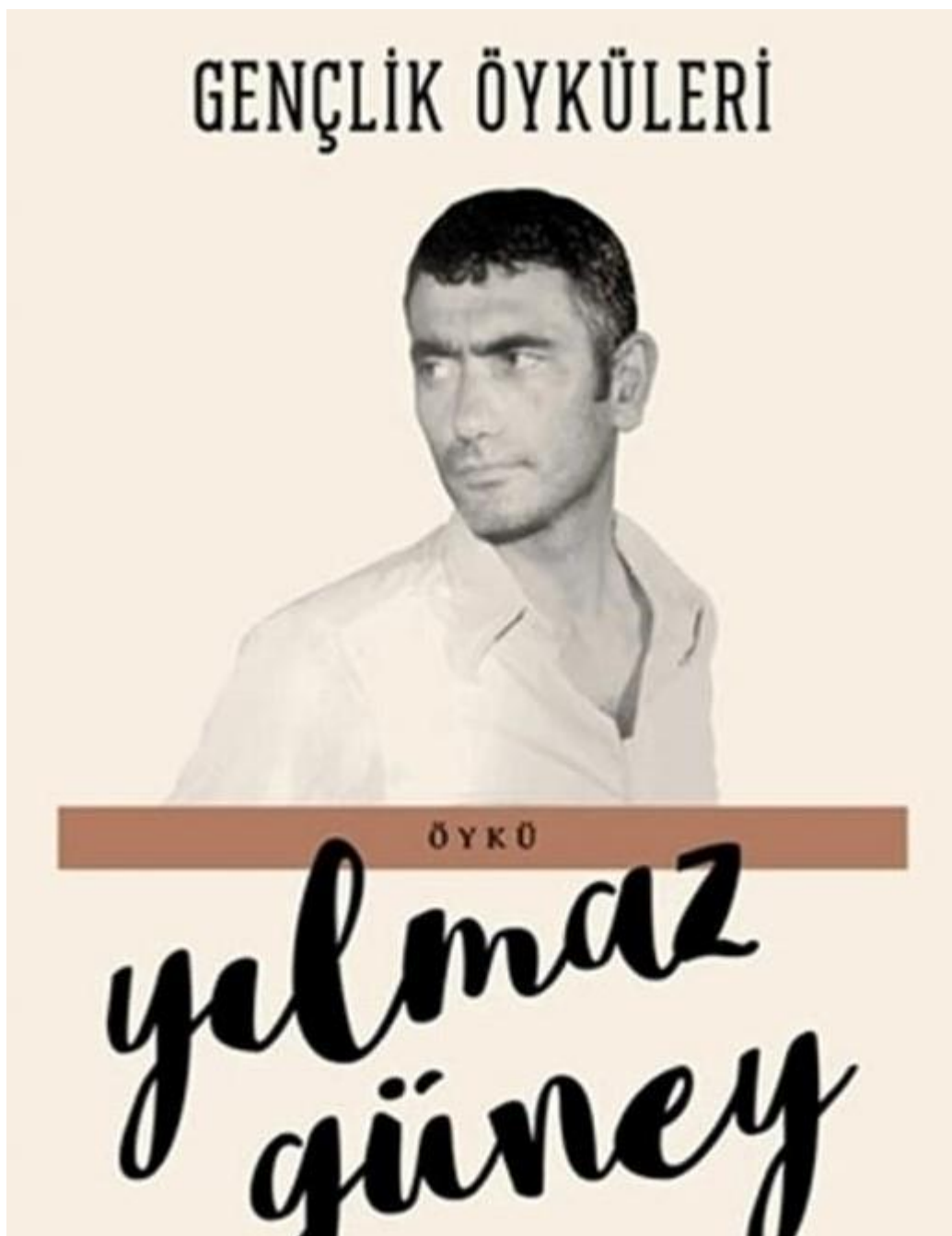
نام کتاب: نامه‌های سلیمیة (Selimiye Mektuplari)

نویسنده: یلماز گونی

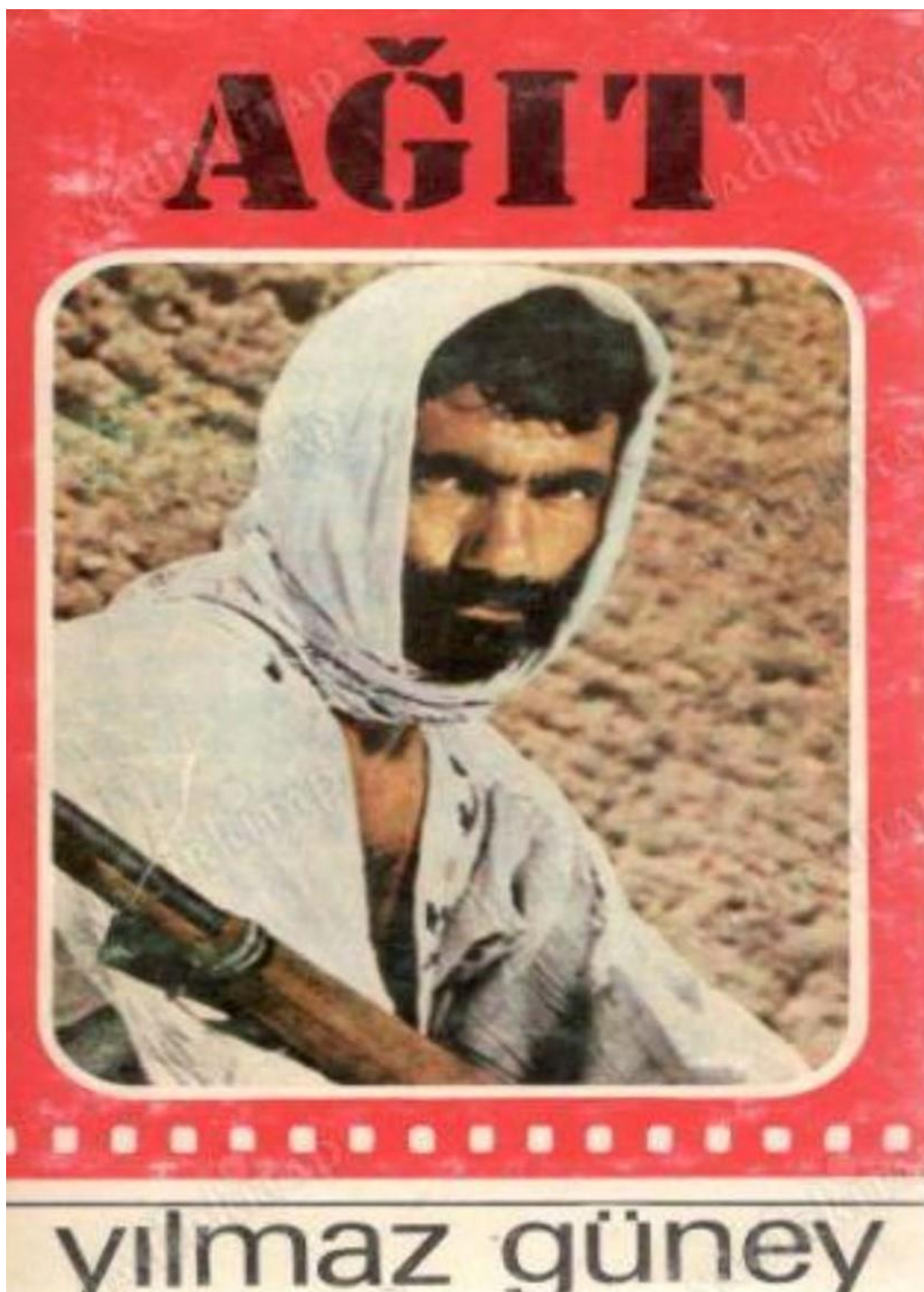


نام کتاب: داستانهای نوجوانان (Genclik Öyküleri)

نویسنده: یلماز گونی



نام کتاب: مرثیه (Agit) ، نویسنده: یلماز گونی



نام کتاب: سالپا (Salpa)

نویسنده: یلماز گونی

سال: ۱۹۷۵



نام کتاب: قانون مرزها (Hucdutlarin Kanunu)

نویسنده: یلماز گونی



اشعاری از یلماز گونی
می دانستم که برای معشوقه
باید گل خرید
اما ما گرسنه بودیم
پولی را که برای خرید گل
کنار گذاشته بودیم
خوردیم.
" یلماز گونی "

گفته بودم
فراموشی زمان می خواهد
اشتباه بود
فراموشی زمان نمی خواهد
فراموشی دل می خواست
که آن هم پیش تو ماند
" یلماز گونی "

روزی در دل زندگی جاری خواهیم شد
بدان که این دیوارها برای جدا کردن ما کافی نیست
این میله‌ها
این دروازه‌های آهنی
این هوا
باور کن
بعضی اوقات مانند مшти سنگین قدرتمند می شوم
بعضی اوقات مانند گنجشکی ضعیف
بی دلیل نیست
تا وقتی که این عشق در وجود انسان زبانه می کشد
بر کدام سختی فاتح نشده است؟
دلدار من
روزهای زیبا ایستگاه سختیها می گذرد
انسان قطره قطره جمع می شود
قطره قطره، دلدار من
روزی در دل زندگی جاری خواهیم شد
بدان که دیوارها فرو خواهد ریخت

تمام دروازه‌ها گشوده خواهد شد
اینک قلب من تویی
تو را می‌تپد
و دوباره قطره قطره در دلم جمع می‌شوی
" یلماز گونی "
ترجمه: صابر مقدمی

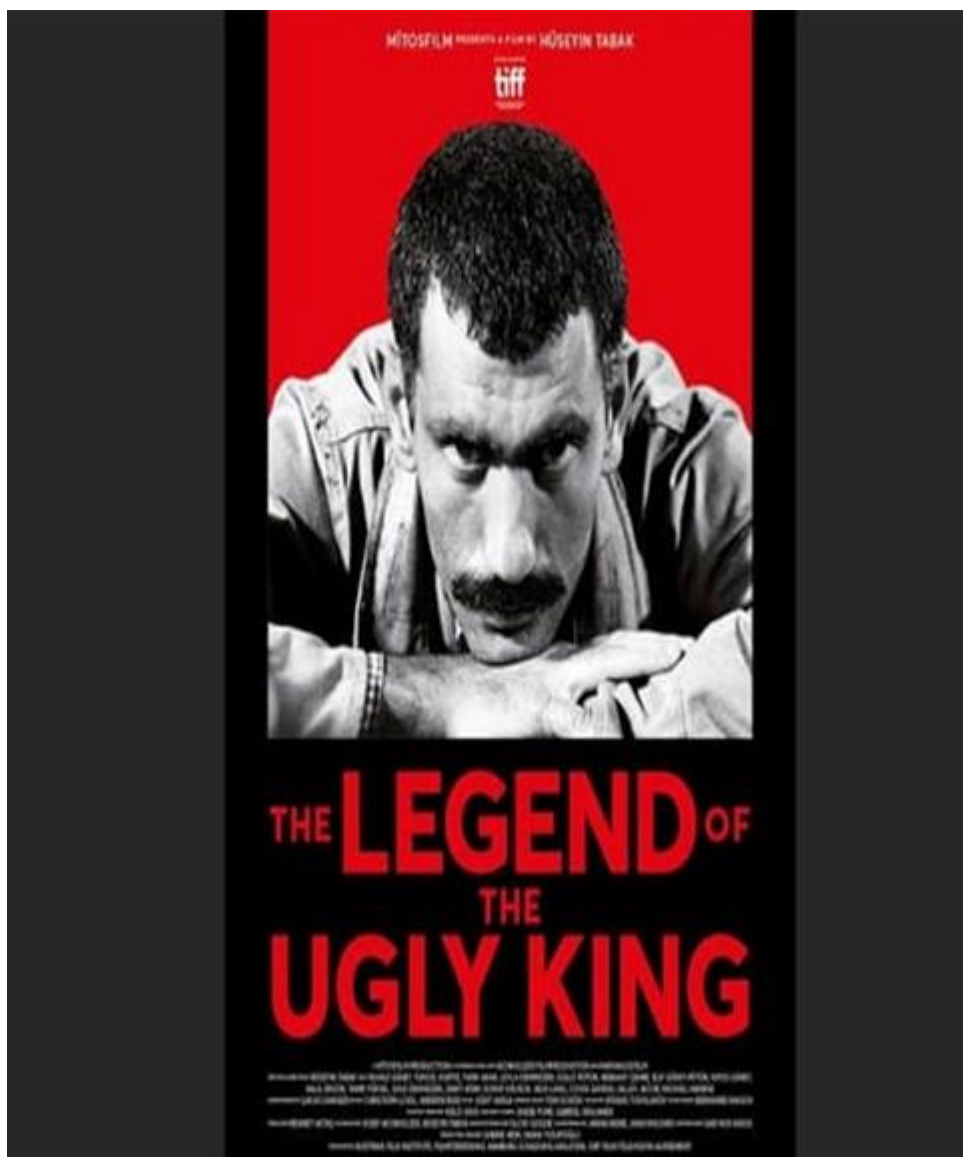
با شاخه‌ی گلی در دستانش
و مشتی خاک و برف و آفتاب میهن
در جیب‌هایش
تنها
خیابان و شهرهای زیر آسمان
غربت را قدم می‌زنند.
" یلماز گونی "
ترجمه از: مهرداد رامیدی نیا

افسانه پادشاه نازیا

فیلم " افسانه پادشاه نازیا " که مستندی در باره یلماز گونی فیلم ساز فقید سینمای ترکیه است در دوازدهمین دوره جشنواره بین المللی " سینمای حقیقت " روی پرده رفت.

به گزارش خبرگزاری مهر به نقل از روابط عمومی جشنواره بین المللی سینمای حقیقت، مستند بلند " افسانه پادشاه نازیا " به کارگردانی حسین تباک و تهیه کنندگی مهمت اکتاش، در باره یلماز گونی برنده نخل طلایی سی و پنجمین دوره جشنواره بین المللی فیلم " کن " (Cannes) فرانسه در سال ۱۹۸۲ با فیلم مشهور "راه" است که در بخش مرور جشنواره تسالونیک "سینمای حقیقت " به نمایش گذاشته شد.

این فیلم در نخستین اکران جهانی خود در چهلمین دوره جشنواره بین المللی فیلم تورنتو در کانادا روی پرده رفت و در بخش سینمای کلاسیک چهل و یکمین دوره جشنواره بین المللی فیلم گوتنبورگ سوئد هم به نمایش درآمد.



عکس: جشنواره بین المللی " افسانه پادشاه نازیبا "

مهمت اکتاش تهیه کننده " افسانه پادشاه نازیبا " در مورد ساخت این فیلم مستند ۱۲۳ دقیقه‌ای که ۷ سال تولید آن به طول انجامیده است، اظهار کرد: ساخت این مستند برای ما خیلی مهم بود چون می خواستیم با اینکار، نسبت به یلماز گونی ادای احترام کنیم. وی نخستین فیلم کردی سینمای ترکیه را ساخت در حالی که در زندان به سر می برد.

این تهیه‌کننده ادامه داد: یلماز گونی نخستین کارگردانی بود که سینمای کردی و ترکی را به دنیا معرفی کرد. وقتی که ما فیلم مستند بلند " افسانه پادشاه نازیبا " را می ساختیم " الخاندو گونسالس ایناریتو " کارگردان مکزیکی برنده ۲ جایزه اسکار گفته بود: " نخستین بار که فیلم " راه " را در سینمایی در مکزیک دیدم تصمیم گرفتم که کارگردان شوم " .

وی در پایان گفت: یلمازگونی تمام زندگی خود را وقف سینما کرد، ۱۷ سال از عمر خود را در زندان سپری کرد و هیچوقت سینما را رها نکرد. برای ما مهم بود که زندگی این شخص و این سینماگر را همه ببینند چون او یک انسان تک بعدی نبود و شخصیتی ویژه و متفاوت داشت.

از سایت انترنتی خبرگزاری مهر، تاریخ انتشار ۳۰ آبان ۱۳۹۷ گرفته شده است.

کریس کوچرا

کریس کوچرا نام واقعی وی " پل موبک " به فرانسوی (Paul Maubec) که با نام مستعار "کریس کوچرا" شناخته میشود. روزنامه‌نگار و محقق، نویسنده و متخصص فرانسوی و یار همیشگی و با وفای ملت کرد و کردستان بود که علاقه خاصی به جنبش ملی کرد داشت.

کوچرا در ۱۳ مه سال ۱۹۳۸ در فرانسه زاده شد. وی یکی از محققین نامی در حوزه خاورمیانه و مسئله ملی کرد و کردستان به شمار می آید.

وی تاکنون چندین کتاب در باره کردها و مبارزات ملی دمکراتیک کردها نگاشته است. همچنین سمینارها، رپورتاژها و گزارشهای کثیری نیز در باره کردها انجام داده است.

کوچرا در طول حیاتش چندین بار از کردستان دیدن کرده است. آرشیو عکسهای وی و همچنین کتابهایی که در باره کردها نگاشته شده است، از آثار گرانبهایی برای کردها و منابعی مهم جهت کردشناسان به شمار می آید.

کریس کوچرا، یکی از علل شناخته شدن کردها و کردستان در فرانسه و بازگشایی باب دوستی بین کردها و فرانسویها بوده است. دروازه‌ای که با آشنایی وی با دکتر عبدالرحمن قاسلمو گشوده شد و پای کوچرا را به کردستان باز نمود.

کریس کوچرا، یکی از آن دسته محدود روزنامه‌نگاران بود که در بحبوحه جنگ ایران و عراق که بر اثر آن اخبار مربوط به مبارزات ملی خواهانه کردها را به حاشیه رانده بود، نقش وسیع و مهمی در رسانیدن اخبار مربوط به کردها و کردستان و خواسته‌هایشان داشته است.

این محقق و روزنامه‌نگار شهیر فرانسوی روز پنج شنبه ۱۲ مرداد ماه ۱۳۹۶ شمسی، ۱۷ جولای ۲۰۱۷ در پاریس درگذشت.



کریس کوچرا با همسرش " ایدیت "

آثار کریس کوچرا

کریس کوچرا با همسرش که عکاس است چندین رپرتاژ سیاسی در مطبوعات فرانسوی و خارجی منتشر کرده است. از آن جمله‌اند: بیافرا: سال ۱۹۶۹. خلیج فارس: ۱۹۷۰. ۱۹۷۸، سودان: ۱۹۷۱. کردها: ۱۹۷۱. ۱۹۷۵. شیلی: ۱۹۷۶. فلسطینها: ۱۹۷۶. ۱۹۷۸. جنبش ملی کرد: ۱۹۷۹. جنبش ملت کرد و خواست استقلال ...

نام کتاب: جنبش ملی کرد

نویسنده: کریس کوچرا

مترجم: ابراهیم یونسی

ناشر: نگاه

چاپ اول: سال ۱۳۷۷

آقای ابراهیم یونسی در مقدمه کتاب چنین می نویسد: کتاب جنبش ملی کرد به قلم کریس کوچرا، همچنانکه گفتیم او یک روزنامه‌نگار است و مورخ نیست و بنابراین خواننده نباید کتاب حاضر را در مقام تاریخ مخص بخواند و توقع تجزیه و تحلیل‌ها و مو شکافی‌های تاریخی از آن داشته باشد.

خاصه‌ای که در کتاب حاضر جلب توجه می‌کند پاکدلی و انصاف نویسنده است که بی‌جانگیری از زورمندان یا سیاستهای خاص و حتی بیشتر با همدلی و همدردی با ستمدیدگان وقایع را باز می‌گوید.

موضوعی کتاب:

در این کتاب مولف که یک روزنامه‌نگار فرانسوی است، تاریخ جنبشهای ملی کردها را از یکی دو قرن اخیر تا عصر حاضر معرفی و بررسی کرده است. این اثر در ۴ بخش با این عناوین تنظیم شده است: ناسیونالیسم کرد، سالهای سرکوب، مبارزه برای استقلال و ترازنامه و چشم انداز.



کتاب جنبش ملی کرد

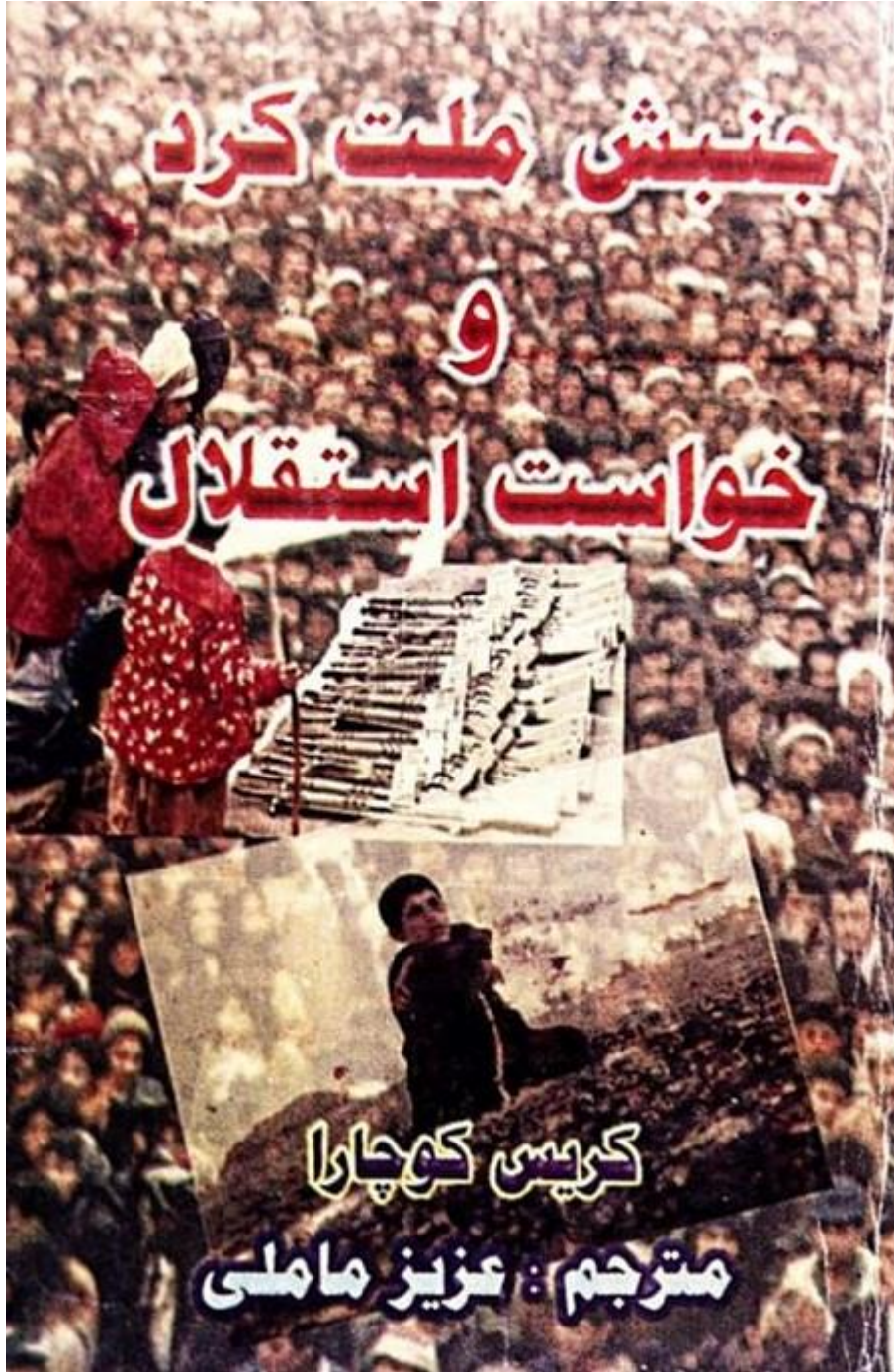
نوشته: کریس کوچرا

ترجمه از: ابراهیم یونسی

نام کتاب: جنبش ملت کرد و خواست استقلال

نویسنده: کریس کوچرا

مترجم: عزیز ماملی





کریس کوچرا

مصاحبه کریس کوچرا با یلماز گونی

ترجمه از: ژان روژ

کلیسای قدیمی در یک روستای کوچک در شمال پاریس ناگهان به بخشی از ترکیه تبدیل می شود. بالای سر در ورودی عبارتی به زبان ترکی وجود دارد " زندان مرکزی " و مجسمه‌ای از مریم باکره به چشم می خورد.

همه جا نوشته تمجیدآمیز زیادی از مصطفی کمال در باره ترکیه وجود دارد مانند " چه خوشبخت است آنکه می گوید من ترک هستم " (۱). در محوطه اصلی صومعه به تازگی دیوارهای کوتاهی ساخته شده است که محوطه را محصور می کند جایی که زندانیان ورزش های روزانه را زیر نظر نگهبانی واقع در برج دیده‌بانی انجام می دهند.

در کوچه‌های منتهی به ساختمان اصلی یک کادیلاک با پلاک آنکارا در میان جمعی از زنان آهسته حرکت می کند، زنانی سرپوشیده با روسری های سنتی آناتولی و مردانی با شلوار گشاد.

یلماز گونی در حال فیلمبرداری صحنه‌ای است: ورود ناگهانی بازرسان عمومی زندانها. بازیگر یک مرد فرانسوی است که در وزارت فرهنگ فرانسه نیز کار می کند. یلماز گونی مثل همیشه در حال لبخند زدن، صبور و سرزنده است و با ارتشی از

نابازیگران (سیاهی لشکر) درگیر کار است. " پنجره‌ها را بشکن تا پرنندگان بتوانند پرواز کنند " این عنوان موقتی فیلم است (۲). فیلم داستان یک شورش در زندان را نقل می کند شورش بوسیله بچه‌ها.

یلماز گونی در حال هدایت یک بازیگر آماتور از اروگوئه است که نقش نگهبان را بازی می کند، اینکه او چگونه باید واکنش نشان دهد وقتی که با چاقوی بزرگی از طرف یکی از بچه‌ها (که در حال کار کردن در آشپزخانه زندان هستند) تهدید شود. اما در پایان، شورش شکست می خورد و فیلم با ظهور نسل جوانی از زندانیان پایان می یابد.

بازسازی فضای ویژه داخل زندان و به همراه بازیگران غیر حرفه‌ای کار مشکلی است ولی یلماز گونی سعی می کند با استفاده از تکنیک های رئالیسم شاعرانه‌اش (۳) بر آن غلبه کند.

او فیلمش را با ۱۰۰ کودک اکثرا " کرد " از برلین غربی و فرانسه می سازد و تقریبا صد بازیگر بزرگسال شامل: نگهبانان، زندانیان و خویشاوندان آنها نیز حضور دارند. همچنین حدود صد تکنسین و خدمه فیلم با یلماز گونی در داخل صومعه قدیمی زندگی می کنند.

بچه‌ها از مشارکت در این ماجرا خوشحال شده‌اند. تونجل کورتیز (۴) تنها بازیگر حرفه‌ای فیلم می گوید:

" تصور کنید برای بچه‌هایی که نمی‌توانند رویای یک زندگی خوب در برلین غربی یا فرانسه داشته باشند " ماجرا چگونه است، اکنون آنها ستاره هستند در زمانی صومعه یک مدرسه روستایی بوده است.

هنوز می‌توان روی یکی از دیوارهایش نقش‌هایی را خواند که توسط بچه‌های یک کلاس ابتدایی نوشته شده‌اند. برای مثال " در طول کلاس خواب ممنوع است ".

یلماز گونی از قبول پیشنهاد چندین تولیدکننده بزرگ که از او می‌خواستند برایشان فیلم بسازد امتناع ورزید. زیرا او می‌خواست دستی آزاد در کارش داشته باشد. اما با وجود تولیدکننده که او نهایتاً انتخاب کرد، شرایط کاری سختگیرانه‌ای اعمال کرده است. هیچ چیز از سناریو فیلم نباید قبل از تاریخی که تولیدکننده برای پخش تعیین کرده است به بیرون درز شود.

بنابراین این یک مصاحبه استثنایی و فوق‌العاده است.

کریس کوچرا: به گذشته نگاه کنیم قضاوت شما درباره فیلم راه (Yol) و رمه (Suru) چگونه است؟

یلماز گونی: در کل زندگی به عنوان یک کارگردان مجبور بوده‌ام بطور غیر مستقیم از مفاهیمی برای بیان اندیشه‌هایم استفاده کنم و باید صادقانه اعتراف کنم که آنچه می‌خواستم بطور کامل در آثارم بیان نشده‌اند، نه در شکل شان و نه در روحشان. عنصر برجسته در این آثار این است که نوعی سازش و مصالحه در آنها دیده می‌شود. در حقیقت تاریخ خلق کرد است اما من حتی نتوانستم فیلم " رمه " از زبان کردی در این فیلم استفاده کنم چون ما اگر از زبان کردی استفاده می‌کردیم همه کسانی که در فیلم مشارکت داشتند زندانی می‌شدند. و در مورد فیلم " راه " تاکید بر سه شهر دیاربکر، اورفا و سرت بود و سعی کردم به واسطه موسیقی یک فضای کردی خلق کنم. اگرچه فیلم در اروپا صداگذاری شد اما موفق نشدم آنرا بطور کلی به زبان کردی بسازم.

کریس: شما چه زمانی متوجه شدید که کرد هستید؟

یلماز: باید بگویم که من یک کرد آسمیله شده هستم. مادرم کرد بود و پدرم نیز از کردهای زازا بود. در کل دوران کودکی در خانه به زبان کردی و زازا صحبت می‌کردیم. تا موقعی که ۱۵ ساله بودم کردی صحبت می‌کردم. سپس از خانواده‌ام جدا شدم. در آن موقع در سخنرانیها می‌شنیدم که می‌گفتند: کردها

وجود ندارند، زبان کردی وجود ندارد. اما من می شنیدم که مردم به زبان کردی حرف می زنند و به زبان کردی آواز میخوانند، می توانستم ببینم که کردها تحت بدترین شرایط زندگی می کنند. پدرم اصالتاً از سیورک (۵) بود. سیورک را اولین بار زمانی دیدم که ۱۶ سال سن داشتم. آن موقع بود که فهمیدم واقعا چه کسی هستم. آنجا من رنج یک خانواده ریشه کن شده را فهمیدم. پدرم می گفت " تو از ریشه هایت بریده شدی ". در سن ۳۴ سالگی توانستم بروم و روستای مادرم و همینطور قبیله جیران (۶) را ببینم.

کریس: داستان فیلم "رمة" روایتی است از آنچه که بر سر این قبیله آمد؟

یلماز: آری اینجا ما با مشکلاتی روبرو هستیم از جمله: فقط یک بازیگر حرفه‌ای داریم، تونج‌ل کورتیز، بقیه همه آماتور هستند. بیشتر آنها قبلاً حتی در یک فیلم بازی نکرده‌اند. غیر ممکن است ما بتوانیم از ترکیه بازیگرهای حرفه‌ای بگیریم حتی آنهایی که در اروپا هستند نیز شهامت ندارند بیایند و با من کار کنند. آنها حتی از صحبت کردن با من امتناع می ورزند.

کریس: یعنی بازیگران ترک حاضر نیستند با کارگردانی که نخل طلایی کن (۷) را کسب کرده است کار کنند؟

یلماز: وقتی همه چیز خوب و آرام است کسانی هستند، که به ترانه‌های انقلابی اشاره می‌کنند ولی وقتی وضعیت سخت و بغرنج می‌گردد ترجیح می‌دهند پشت درها پنهان شوند. البته من یک فیلمبردار ترک به همراه دارم. اما تکنسین‌ها حرفه‌ای نیستند، حتی یک تکنسین مجرب برای راه‌اندازی مجموعه ندارم. مضمون فیلم درباره زندان است بنابراین من غم، تاریکی و همه چیزهایی را که به چشم انداز و طبیعت نیازی ندارند، ترسیم می‌کنم.

کریس: شما چرا موضوع زندان را انتخاب کردید؟

یلماز: به دو علت، اولاً این موضوع بیشترین تناسب را با وضعیت الان ترکیه دارد و دوم اینکه من هنوز برای فیلمسازی در اروپا آماده نیستم.

کریس: در فیلم بعدی شما کردستان چه اهمیتی دارد؟

یلماز: مسئله کرد مشکل بسیار بزرگی است. روزی می‌خواستم فیلمی بسازم که داستان مبارزه خلقی برای تولدش یا تولد مجددش را بازگو می‌کند. اکنون این کار بسیار مشکلی است. کسی باید بگوید کردها چگونه تقسیم شدند و از چشم اندازه‌های مختلف وضعیت زندگی شان بگوید. پرداختن به این مسئله به شیوه‌ای عینی بسیار سخت است. تاریخ فقط سرشار از پیروزیها نیست بلکه تاریخ بوسیله شکستها، اشتباهات و نیرنگ‌ها نیز ساخته شده است.

کریس: شما به مشکلات فنی که در هنگام فیلم سازی در خارج از کشورتان هستید اشاره کردید. اکنون شما چگونه می توانید فیلم بسازید در حالی که ریشه‌هایتان در ترکیه بریده شده است؟ شما به مردم و طبیعت سرزمینتان می پردازید اما فیلمهای شما بوسیله شهروندان فقیرتان دیده نمی شود، شما چگونه می خواهید این مشکل را حل کنید؟ آیا قصد دارید همچنان در خارج از کشور سکونت داشته باشید؟

یلماز: مطمئنا ما راهی برای نمایش این فیلم به مردمان خواهیم یافت ولی الان نمی توانم بگویم چطور و برای سئوال دوم شما باید بگویم بعد از این فیلم با موضوع زندان دیگر نمی خواهم در باره کردستان فیلمی بسازم که در موقعیتهای مصنوعی و ساختگی باشد. در حال حاضر من با یک مجوز ویژه جهت ساخت این فیلم در فرانسه سکونت دارم. به من اجازه داده شده برای ساخت این فیلم در فرانسه بمانم. ولی بعد از آن نمی دانم و نمی خواهم از الان در مورد آینده صحبت کنم.

۱. نخستین بار این عبارت را " مصطفی کمال آتاتورک " در سخنرانی اش به مناسبت دهمین سالگرد بنیانگذاری جمهوری ترکیه در ۲۹ اکتبر ۱۹۳۳ به کار برد و در سال ۱۹۷۲ وزارت آموزش ملی ترکیه این عبارت را به عنوان سوگند دانش آموزان تعیین کرد. نخستین بار در سال ۲۰۱۴ شهرداری کولپ در منطقه دیاربکر اقدام به حذف تابلوی " چه خوشبخت است

آنکه می گوید من ترک هستم " از ورودی جاده دیاربکر. موش کرد.

۲. عنوان نهایی این فیلم در زمان اکران دیوار بود، یلماز گونی فیلمنامه آنرا براساس یکی از داستانهایش که در سال ۱۹۷۶ در زندان نوشته بود، ساخت. کریس کوچرا در هنگام ساخت این فیلم به دیدار یلماز گونی می‌رود و در پشت صحنه فیلم مصاحبه‌اش را با او انجام می‌دهد.

۳. بسیاری از منتقدان سبک آثار یلماز گونی را به رئالیسم شاعرانه "سینمای مسلط فرانسه در دهه ۱۹۳۰" و نئورئالیسم "سینمای چپ‌گرای ایتالیا بعد از جنگ جهانی دوم" نزدیک میدانند.

۴. بازیگر، نمایشنامه‌نویس تونجل کورتیز (Tuncel Kurtiz) تهیه‌کننده سرشناس ترکیه‌ای که در فیلمهای زیادی از جمله: امید، رمه، و دیوار با یلماز گونی همکاری کرد. وی در ۲۷ سپتامبر ۲۰۱۳ درگذشت.

۵. (Sewerg) و به کردی (Siverek) سیورک شهرستان کوچکی در حد فاصل بین دیاربکر و اورفا است که جمعیت غالب آن کرد بوده و اقلیتی از ترکمنها و اعراب نیز در آن زندگی می‌کنند.

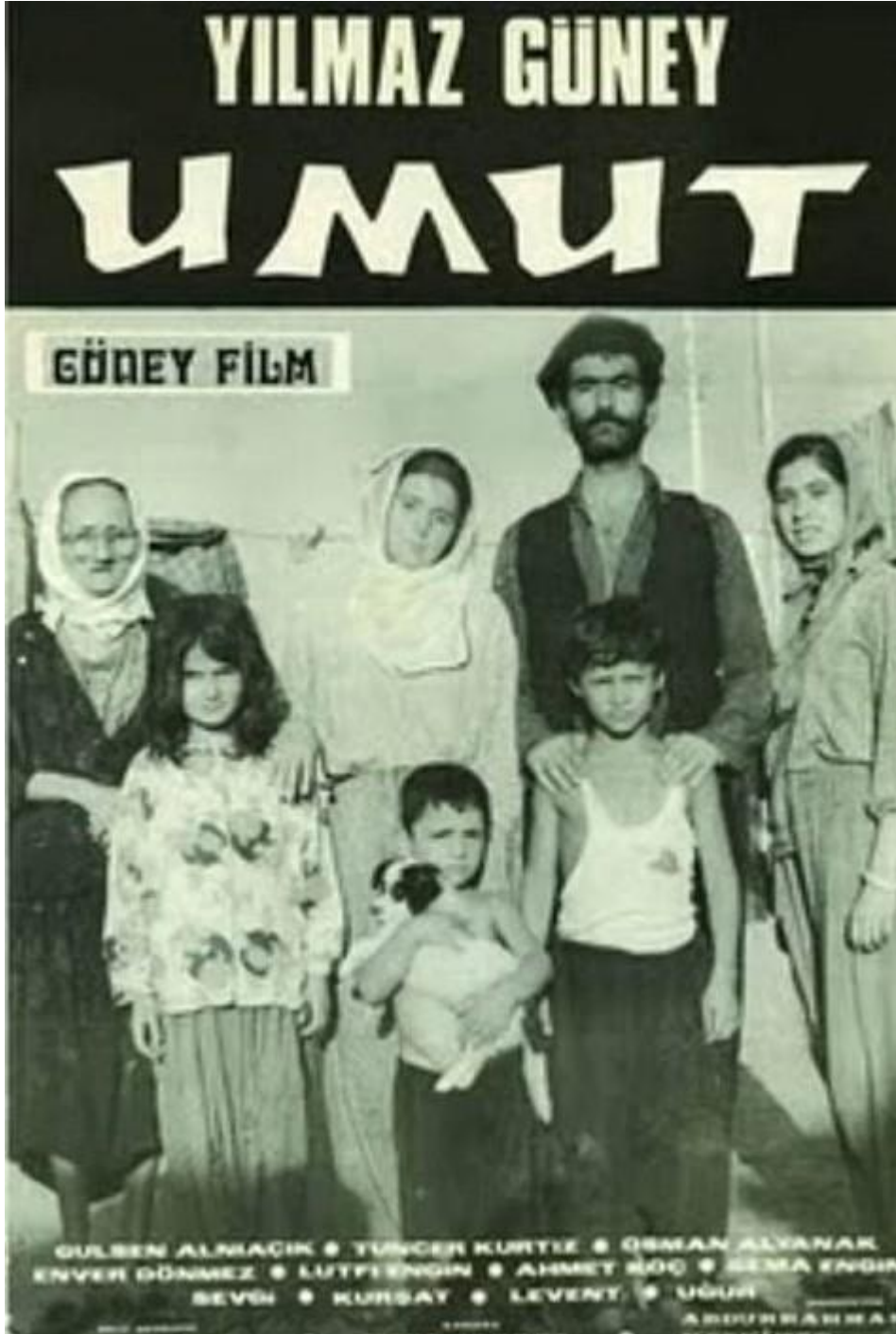
۶. جبران (Jibran) یکی از قبایل بود که در قیام شیخ سعید در کردستان ترکیه در سال ۱۹۲۵ مشارکت فعال داشتند و خالد بگ از رهبران جنبش آزادی (سازمان مخفی کردها در ترکیه که توسط شیخ سعید پایه‌ریزی شده بود) متعلق به همین قبیله بود.

۷. یلماز گونی با فیلم " راه " نخل طلایی جشنواره کن (Cannes) سال ۱۹۸۲ را مشترکا با کاستاویس برای فیلم گمشده کسب نمود. او این فیلم را با همکاری شریف گورن در زندان کارگردانی کرد.

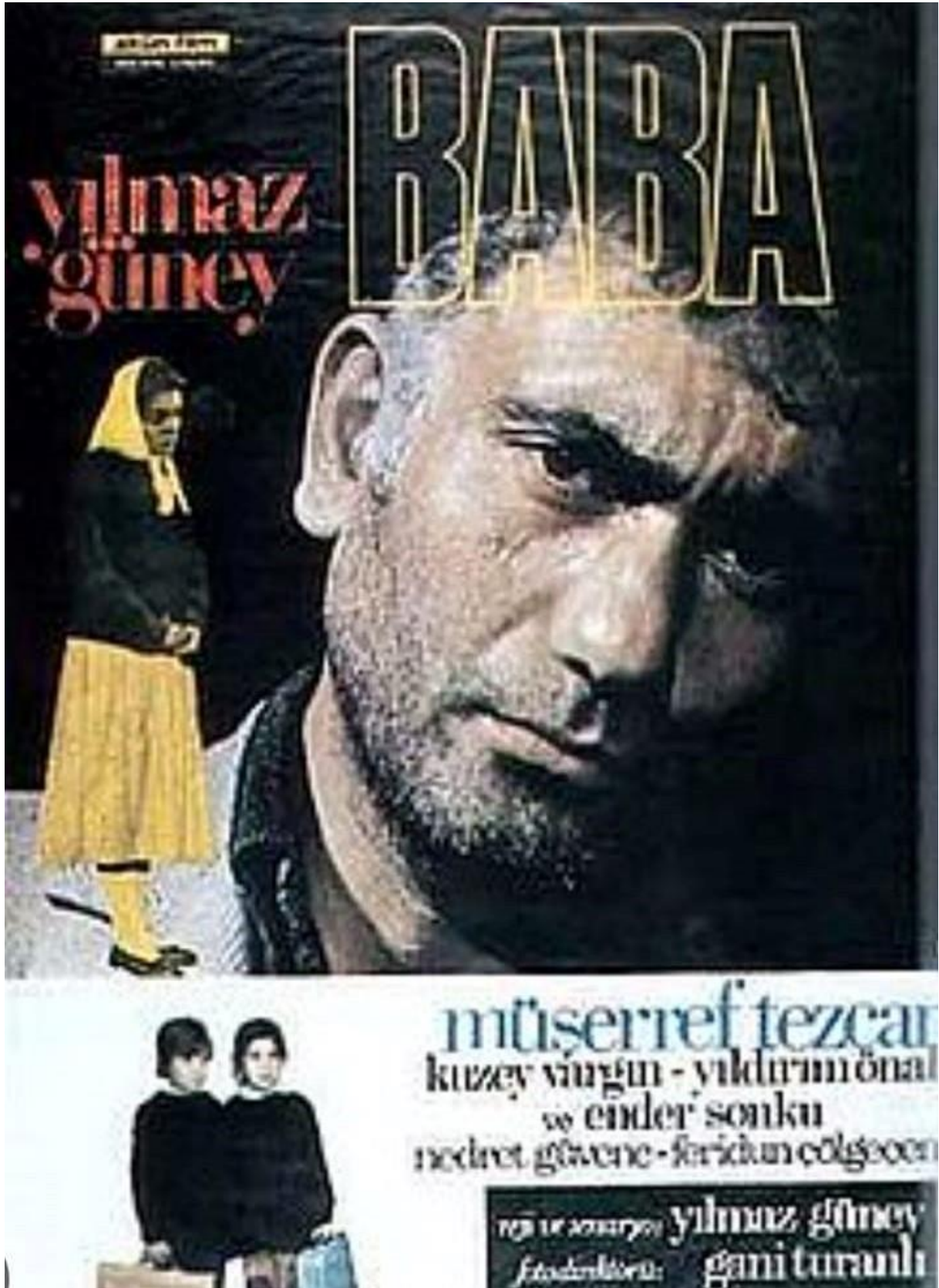
توضیح: این مصاحبه در ژانویه سال ۱۹۸۳ توسط کریس کوچرا در پاریس انجام گرفته است و در همان تاریخ مجله "میدل ایست " (Middle East) با عنوان " کردستان ترکیه آخرین فیلم یلماز گونی " انتشار یافت. نسخه فرانسوی آن هم اکنون در سایت رسمی کریس کوچرا موجود است. از سایت انترنتی " ادبیات دیگر " گرفته شده است.

چند فیلم مشهور یلماز گونی

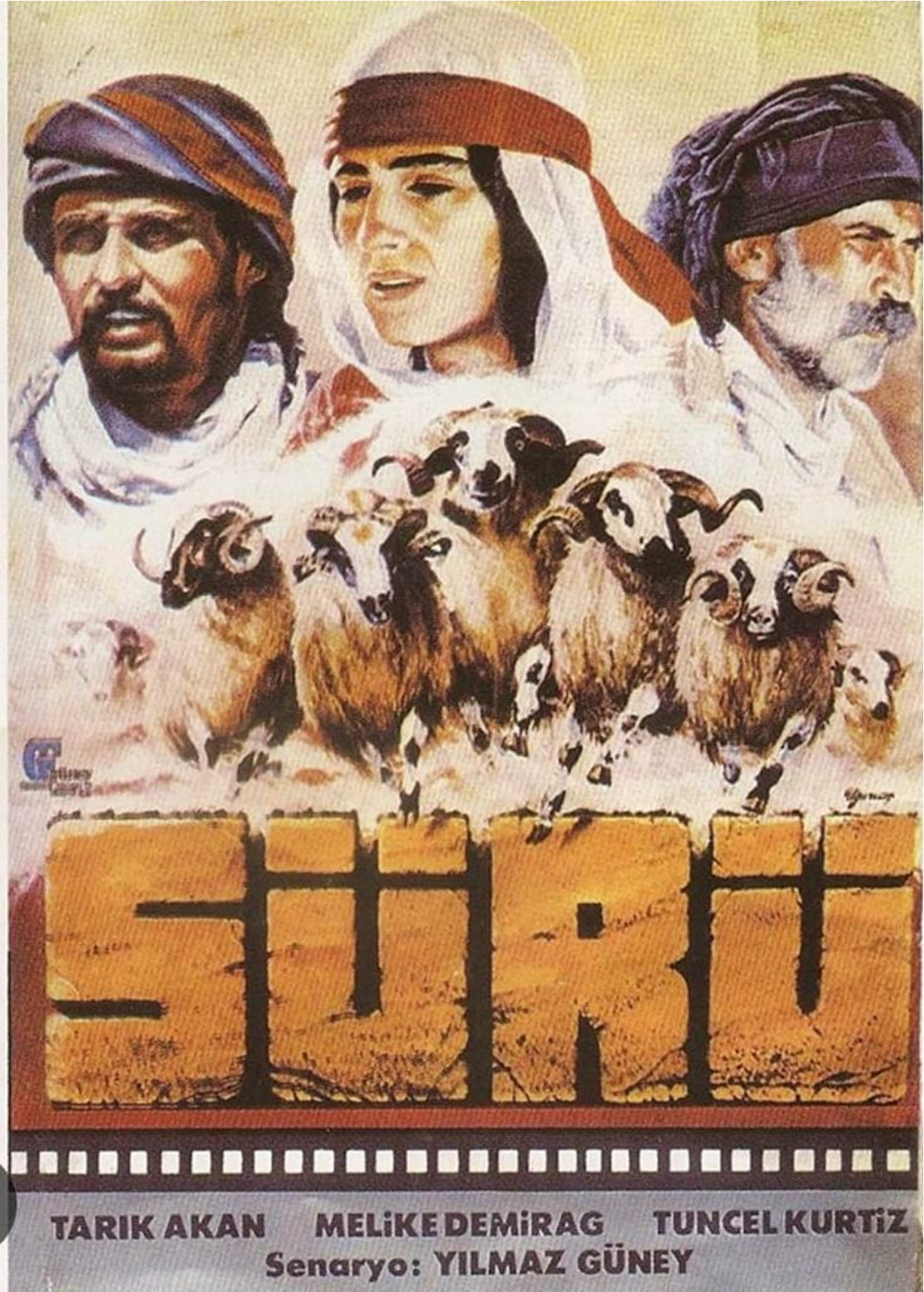
فیلم امید ۱۹۷۰



فيلم بابا ١٩٧٣



فيلم رمة ١٩٧٨





فاروق فرهاد

منابع:

- . جنبش ملی کرد، نویسنده: کریس کوچرا، مترجم: ابراهیم یونسی، چاپ انتشارات نگاه سال ۱۳۷۷ چاپ دوم.
- . سایت انترنتی ادبیات دیگر
- . سایت انترنتی روژی کورد
- . سایت انترنتی ویکی پدیا
- . سایت انترنتی ویرگول
- . سایت انترنتی خبرگزاری مهر
- . صفحه تلگرام مهرداد رامیدی نیا